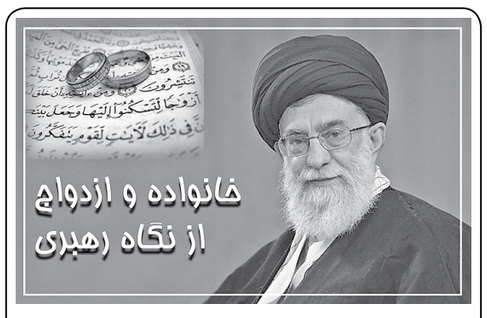

زندگی کفاف و با قناعت مایه آسایش و آرامش

زندگی تشریفاتی، زندگی تجمّلاتی، زندگی اشراف منشی، زندگی پُرخرج و زندگی مصرفی، انسان‌ها را بدبخت می‌کند. این خوب نیست. زندگی باید کفاف و راحت بگذرد نه پُرخرج و مُسرفانه. این دو تا را بعضی‌ها چرا با هم اشتباه می‌کنند؟ با کفاف یعنی محتاج کسی نباشد و بتوانند زندگی‌شان را اداره کنند، بدون احتیاج به هیچ کس. دلخوشی هم باید داشته باشند و الّا زندگی با درآمدِ زیاد و مخارج زیاد و تشریفات که خوب نیست. اینها اصلاً راحتی نمی‌آورد، دلخوشی نمی‌آورد.[1]

اوّل زندگی را ساده بردارید، هر چه می‌توانید در این جهت سعی کنید. البتّه، اعتقاد نداریم که افراد بایستی بر عیال خودشان، بر نزدیکان خودشان سختگیری‌های تنگ‌نظرانه بکنند. این عقیده را نداریم، اما عقیده داریم که همه از روی عقیده و ایمان و عشق و دل خودشان به یک حدی قانع باشند.[2]

زندگی را ساده بگیرید، خودتان را اسیر تشریفات نکنید. اگر از اول وارد مسابقه تشریفات شدید، دیگر رها شدن از آن سخت است. حالا هم جمهوری اسلامی است. اگر کسی بخواهد ساده زندگی کند می‌تواند. یک روزی بود که نمی‌شد، سخت بود. اگر چه بعضی به دست خودشان مشکل می‌کنند. در لباسشان، در مسکنشان، در تجمّلاتشان، همه را بر خودشان سخت می‌کنند.[3]

قناعت برای همه مفید است

به شما عرض می‌کنم: ما شما را دعوت نمی‌کنیم به زُهد سلمان و ابوذر. بین امثال من و شما با سلمان و ابوذر فاصله خیلی زیادی است. ما هرگز- نه من و نه شما - طاقت آن چیزها را و آن علوّ و عروج و آن والایی را نداریم که بخواهیم خودمان را به آن چیزها برسانیم. یا مثلاً فرض کنید که آرزوی آن را حتی در دلمان بیاوریم. امّا من این را عرض می‌کنم که اگر بین ما و آنها، زندگی ما و زندگی آنها، هزار درجه فاصله است، می‌شود این هزار درجه را، ده درجه، بیست درجه، صد درجه کم کرد. خودمان را به زندگی آنها نزدیک کنیم.[4]

قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضی‌ها خیال می‌کنند که قناعت مال آدم‌های تهیدست و فقیر است و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حدّ لازم، در حد کفایت، انسان توقّف کند.[5]

پرهیز از مسابقه ناسالم مادیگری

توقّعات مادّیِ زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خود انسان می‌شود، اگر انسان توقّع خودش را از زندگی توقّع کمی قرار دهد، این مایه سعادت خواهد بود. نه فقط برای آخرت انسان خوب است، که برای دنیای انسان هم خوب است.[6]

سعی‌تان را بگذارید بر زندگی ساده و به دور از اشرافی‌گری، بر زندگی‌ای که منطبق باشد بر زندگی متوسط مردم. نمی‌گویم پایین‌ترین مردم، متوسط مردم، نگاه نکنید به مسابقه مادّیگری. مسابقه هست، چنانچه در راه بهشت خدا مسابقه هست، در راه بهشت خیالی دنیا هم مسابقه هست؛ برای تجمّلاتش، برای مقام و قدرتش، برای اسم در آوردن و معروف شدنش، مسابقه هست؛ این مسابقه، مسابقه ناسالمی است... هر کدام که بخواهید به این مسابقه وارد شوید آن دیگری مانع شود و به عنوان یک ناصح با شما عمل کند.[7]

در همه مراحل بایستی میانه‌روی و قناعت و گرایش به روش متواضعانه و فقیرانه را فراموش نکرد که این نظر اسلام است.[8]

* پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

۱. خطبه عقد مورخه ۱۳۷۸/۱/۲
۲. خطبه عقد مورخه ۱۳۷۷/۹/۱۲
۳. خطبه عقد مورخه ۱۳۷۷/۱۰/۱۳
۴. خطبه عقد مورخه ۱۳۷۹/۱۱/۱۷
۵. خطبه عقد مورخه ۱۳۷۶/۱/۱
۶. خطبه عقد مورخه ۱۳۷۹/۱۲/۲۱
۷. خطبه عقد مورخه ۱۳۷۵/۶/۳
۸. خطبه عقد مورخه ۱۳۸۰/۹/۲۲

در محضر امام خمینی (ره)

تقید به هفت زیارت

یک وقت من در کربلا در حرم امام حسین(ع) بودم که امام به حرم تشریف آوردند. کربلا، در سال هفت زیارت مخصوصه دارد. نجف سه زیارت مخصوصه دارد. علاوه‌بر شب‌های جمعه، ایشان هفت زیارت را مقید بودند که به کربلا مشرف بشوند ولی شب‌های جمعه نمی‌رسیدند به حرم مشرف بشوند. ایشان در حرم مثل سایر متعبدین، مقید بودند دعا و نماز بخوانند. سایر آقایان علما این جور نبودند، حرم آنها ده دقیقه و فوقش یک ربع ساعت طول می‌کشید و دعا را هم از حفظ می‌خواندند و دو رکعت نماز می‌خواندند و می‌رفتند؛ اما امام مثل سایر مردم می‌نشستند و از روی مفاتیح دعا و زیارت می‌خواندند.[1]

تا صدای «یا حسین» بلند می‌شود

علاقه امام به اهل بیت(ع) در حد وصف‌ناشدنی است. امام عاشق آنها هستند؛ عاشقی که تا صدای «یاحسین» بلند می‌شود بی‌اختیار اشک می‌ریزد. امام با اینکه در برابر مصیبت‌ها صابر هستند و حتی در برابر مشکلاتی چون شهادت حاج آقا مصطفی اشک نمی‌ریزند اما به مجرد اینکه یک روضه‌خوان بگوید «السلام علیک یا اباعبدالله» قطرات اشک از دیدگانش سرازیر می‌شود(!)[2]

(۱)آیت‌الله محمدهادی معرفت - مجله حوزه - ش ۳۲ - ص ۱۴۸.
(۲)حجت‌الاسلام والمسلمین انصاری کرمانی - ویژگی‌هایی از زندگی امام خمینی - ص ۲۶.

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

هدیه از شخص رباخوار

س) به بنده فردی عیدی داده است و من می‌دانم آن فرد در زندگی خود ربا گرفته، پول عیدی‌ای که به من داده است را باید چکار کنم؟

ج) اگر یقین ندارید که عیدی که به شما داده است از مال حرام است، استفاده از آن برای شما اشکال ندارد.

ممانعت میزبان از روزه مستحبی میهمان

س) اگر میزبان به مهمان اجازه روزه مستحبی ندهد و میهمان دوست داشته باشد در آن روز روزه بگیرد، اگر به خاطر عدم اذن میزبان روزه نگیرد، آیا ثواب روزه آن روز را می‌برد؟

ج) روزه مستحبی گرفتن میهمان بدون اذن یا با نهی میزبان مکروه است و در صورتی که مهمان روزه بگیرد و میزبان او را دعوت به غذا کند، قبول دعوت مؤمن در حال روزه مستحبّی، شرعاً امری پسندیده است و خوردن غذا به دعوت برادر مؤمن هر چند روزه را باطل می‌کند، ولی او را از اجر و ثواب روزه محروم نمی‌سازد.

وضو با گلاب

س) آیا وضو با گلاب مستحب است؟

ج) گلاب آب مضاف است و وضو با آن باطل است.

شرطبندی در تیراندازی

س) آیا شرطبندی در تیراندازی با تفنگ بادی جایز است؟

ج) شرطبندی بین مسابقه‌دهندگان با هر وسیله‌ای که موجب تقویت بنیه دفاعی و نظامی است- اگرچه تفنگ بادی باشد-، اشکال ندارد.

بازی با شطرنج

س) با توجه به اینکه در بیشتر مدارس، بازی با شطرنج رواج دارد، آیا بازی با آن و برگزاری دوره های آموزشی آن جایز است؟

ج) اگر به نظر مکلّف، شطرنج در حال حاضر از آلات قمار محسوب نشود در این صورت بازی با آن بدون شرطبندی اشکال ندارد.

تعلیم و تعلم در سیرهٔ علمی و عملی امام رضا(ع)

علم و دانش و پشتکار در تعلیم و تعلم آن، در سبک زندگانی اولیاء الهی (پیامبران و امامان) جایگاه ویژه‌ای دارد و در قرآن و کلمات معصومین(ع) بر آن تأکید بسیار شده است. نمونه‌های تشویق بر علم و دانش و اهتمام بسیار بر گسترش معارف اصیل اسلامی را می توان در سیرهٔ علمی و عملی امام رضا(ع) یافت. به ویژه آنکه در زمان ایشان، با ترجمهٔ کتب و رساله‌های دانشمندان غیر اسلامی به زبان عربی، افکار غیربومی و تازه‌ای وارد جهان اسلام می‌شده و امام با تربیت شاگردان، مکاتبات، بحث و مناظره، و...سعی در از بین بردن افکار و اندیشه‌های گمراه‌کننده داشتند. در نوشتار حاضر سعی شده است که سیرهٔ امام رضا(ع) و اهتمام ایشان نسبت به علم و دانش تبیین و بررسی شود.

علی قنبریان

۱. اهمیت پژوهش و نگارش

یکی از ابعاد آموزش و صیانت از علم و دانش، نگارش و پژوهش می‌باشد. مزیتی که پژوهش دارد آن است که ذخیره‌ای برای آیندگان خواهد بود و این مزیتی است که در تدریس و بحث‌های شفاهی وجود ندارد.

امام رضا(ع) از رسول خدا(ص) حدیثی را نقل کرده و به این موضوع این‌گونه تأکید کرده و سفارش می‌فرماید: «هرکس چهل حدیث برای امت من حفظ کند، تا مردم از آنها بهره‌مند شوند، خداوند او را در روز قیامت فقیه و عالم برمی‌انگیزد». (بحارالانوار، ج۲، ص۱۵۶) برخی از علمایی که اربعین‌نگاری کرده و کتاب‌هایی درباره‌علوم حدیث و روایات ائمه(ع) تألیف نموده‌اند، این حدیث را در ابتدای کتب‌شان ذکر کرده‌اند.

در این حدیث منظور امام رضا(ع) از حفظ حدیث، قطعاً حفظ کردن و به حافظه سپردن روایات نیست، بلکه مراد کتابت و گردآوری آن برای آیندگان و امت‌های بعدی است و همین بیان حضرت، نشان از اهمیت پژوهش و کتابت در سیرهٔ رضوی است. البته اگر این چهل حدیث همراه با شرح و توضیح ثبت و ضبط گردد، مصداق اکملِ حفظِ حدیث تحقق پیدا کرده است؛ همانند کتاب چهل حدیث امام خمینی(ره).

پیامبر اکرم(ص) دربارهٔ اهمیت تحقیق، پژوهش، و کتابت می‌فرمایند: «العلم صید و الکتابةُ قید، قیّدوا قیّدوا رحمکم الله تعالی علومکم بالکتابة»؛ علم صید و شکار است، و کتابت و نوشتن قید و به بند کشیدن می‌باشد. رحمت خداوند بر شما! علوم خود را با نوشتن به بند کشید». (علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج۱، ص۳۶۱)

فرهنگ‌سازی اسلامی، عبارت بود از: مقابله با امواج فکری بیگانگان. یعنی با تشریح علوم اصیل اسلامی، و با تبیین قرآن و گفتار پیامبر(ص) و تربیت صحابه و دانشمندان، مانع از ورود تفکرات ناسالم غربی به مراکز علمی شیعی می‌شد.

با توجه به گستردگی سرزمین‌های اسلامی، امام رضا(ص) با تربیت صحابه‌ای امین و دانشمند، تلاش‌های بسیاری برای دفع آسیب‌های فرهنگی و مقابله با ورود افکار بیگانه و سکولار به همراهِ کتب ترجمه‌شده انجام داد، تا بدین طریق فرهنگ تمدن اسلامی با محفوظ ماندن از انحرافات، تقویت و ارتقا یابد.

۳. مناظرات امام رضا(ع) با دانشمندان دیگر ادیان

امام رضا(ع) مناظرات معروف با اندیشمندان علمی و مذهبی داشته‌اند. یکی از شعبه‌های تعلیم و تعلّم، مناظره و گفت‌وگو است.

در مناقب آمده است: ابوجعفر قمی در عیون اخبار الرضا(ع) ذکر کرده است که مأمون دانشمندان دیگر ادیان را همچون جاثلیق(لقب رئیس‌اسقف‌ها و علمای بزرگ نصارا)، رأس الجالوت (لقب دانشمندان و علمای ملت یهود)، سران صابئین را مانند عمران صابی و هربذ اکبر، پیروان زردشت، نطاس رومی، علی‌بن‌محمدبن‌جهم، و متکلمانی مانند سلیمان مروزی را جمع می‌کرد و آن‌گاه امام رضا(ع) را نیز احضار می‌کرد. آنان از امام پرسش می‌کردند و آن حضرت یکی پس از دیگری آنان را شکست می‌داد. مأمون داناترین خلیفهٔ بنی‌عباس بود اما با این وصف گاه از روی اضطرار تسلیم حضرت می‌شد. (محسن امین، سیرهٔ معصومان، ج۵، ص۱۴۷؛ محمدبن‌یعقوب کلینی، اصول کافی، ج۱، ص۳۰۲)

همهٔ آن سؤالات و جواب‌ها به تفصیل نوشته شده و برای قضاوت امروز ما باقی مانده است.

همان‌طور که ذکر گردید یکی از مناظره‌کنندگان با امام رضا(ع)، عمران صابی فیلسوف بزرگ و رهبر روحانی قبیلهٔ صابی است. او به وسیله مأمون احضار شد به منظور امتحان کردن امام، و برای امام مشکل‌ترین و مبهم‌ترین سؤالات فلسفی را آماده کرد. شیخ محمدتقی جعفری محقق، سؤال‌های عمران را توضیح داده و در تفسیر آنها گفته است: این مناظره حاوی مهم‌ترین و مبهم‌ترین سؤال‌های حکمت دربارهٔ عقل متعالی است که عقول محققان را وقتی دربارهٔ آن فکر می‌کنند خسته می‌کند.متخصصین پاسخ کافی به این سؤالات نداده‌اند، زیرا سؤال‌های دیگر ممکن است از آن سؤال ناشی شود و سؤال‌ها ممکن است مبهم‌تر از خود آن سؤالات قبلی باشد. عمران در این روایت این سؤالات مبهم را اقامه می‌کند که به‌وسیلهٔ امام علی‌بن‌موسی الرضا(ع) هشتمین حجّت خدا بر بندگانش و وصی پیامبرش بر روی زمین پاسخ داده می‌شود. آنچه امام توضیح داده است در طول این مناظره، راه روشنی است که نمی‌شود با غبار پردهٔ مادّی که با دلایل محدود عقلی در دژ تاریک‌اشیاء محسوس ناشی شده است آن را محو کرد. (باقر شریف قرشی، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا(ع)، ج۱، ص: ۱۶۹_۱۷۲)

در این مناظرات امام رضا(ع) از صنایع مختلفی همچون جدال احسن، مناظره، شعر و... استفاده می‌کرد و بدین طریق _علاوه بر دفع شبهات و دفاع از مرزهای عقیدتی_ اهمیت فرهنگ تعلیم و تعلّم، علم آموزی، تحقیق، مطالعه، و کتابت را در بین مردم تبیین و آشکار می‌ساخت. با نهادینه شدن فرهنگ یادگیری و یاد دادن در بین مردم، زمینهٔ تشویق و ترغیب آنان به تحقیق، مطالعه، و پژوهش نیز فراهم می‌شد.

۴. اهمیت علم، تعلیم و تعلم در سیرهٔ رضوی

علم به‌قدری اهمیت دارد که پشتوانهٔ گفتار است و گفتار بدون علم، ناپسند است تا آنجا که امام رضا(ع) فقیهی را که بدون علم، رأی و فتوایی را بر زبان آورد، ملعون آسمان و زمین دانسته است: «کسی که برای مردم بدون [علم و] آگاهی فتوا دهد، آسمان و زمین او را لعنت کنند. (صحیفهٔ الامام الرضا(ع)، ص۲۶)

از منظر امام رضا(ع) علم گمشده مؤمن است و عالم هیچ‌گاه از کسب دانش سیر نمی‌شود. (عزیزالله عطاردی قوچانی، اخبار و آثار حضرت امام رضا(ع)، ص۲۵۵)

در رابطه با فرهنگ یادگیری و یاد دادن، امام رضا(ع) می‌فرماید: «رَحِمَ اللهُ عَبْداً أَحْیَا أَمْرَنَا قُلْتُ کَیْفَ یُحْیِی أَمْرُکُمْ قَالَ یَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ یُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ کَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛ خداوند رحمت کند بنده‌ای را که زنده می‌کند امر ما را. راوی می‌گوید پرسیدم چگونه زنده می‌کنند امر شما را؟ حضرت فرمود: با فراگیری علوم ما و تعلیم آن به مردم.زمانی که مردم به زیبایی کلام ما علم پیدا کنند، هر آینه از ما تبعیت می‌کنند».

البته در روایت نورانی فوق، امام(ع) به مسئلهٔ تعلیم و تعلم علوم اهل بیت اشاره کرده‌اند. اما با توجه به آیات قرآنی و روایات بسیاری که در علم‌آموزی وارد شده است _ همانند آیات {قُلْ رَبِّ زِدْنِی عِلْماً} (طه: ۱۱۴/۲۰)؛ «یرفع الله الذین امنوا منکم والّذین اوتوا العلم درجات» (مجادله: ۱۱/۵۸)، می‌توان دریافت که امر تعلیم و تعلم عام است و اختصاص به علمی خاص ندارد. مشخص است که علم دین و علوم اوصیا و ائمه،اشرف علوم است.

از لوازم تعلیم و تعلم و از ضروریات بین استاد و شاگرد، پرسش است. با پرسش و جست‌وجو و تفکر در پاسخ به آن، مرزهای دانش گسترش می‌یابد. اصولاً تعلیم و تعلم بدون پرسش، نقش اصیل خود را از دست می‌دهد. امام رضا(ع) در اهمیت پرسش می‌فرماید:

«برای علم و دانش گنجینه‌هایی است که کلید آنها پرسش است. خدا شما را رحمت کند، بپرسید که در سؤال، چهار نفر پاداش داده می‌شوند. اول سؤال‌کننده، دوم آموزگار، سوم شنونده و چهارم دوستدار آن‌ها.(صحیفهٔ الامام الرضا(ع)، ص۲۸)

۵. تفکر لازمهٔ تعلیم و تعلم

تفکر از لوازم تحقیق و پژوهش است. در قاموس قرآن آمده است که: «فکر:(به فتح و کسر اول) اندیشه و تأمل است. به عبارت دیگر فکر اعمال نظر و تدبّر است برای به‌دست آوردن واقعیات، عبرت‌ها، و غیره». (سیدعلی‌اکبر، قرشی، قاموس قرآن، ج۵، ص۱۹۹)

امام رضا(ع)دربارهٔ اهمیت تفکر می‌فرماید: «لیس العبادةُ کثرةُ الصلاةُ و الصوم، إنّما العبادةُ التفکّر فی امرالله عزّ وجلّ؛ عبادت به فراوانی نماز و روزه نیست، بلکه عبادت تفکر در امر خدای والاست». در این روایت، امام(ع) مردم را به فکر کردن در امور و تفکر دعوت می‌کند.

بر این اساس یکی از لوازم پژوهش و یاد دادن و عالم شدن عبارت است از تفکر. یعنی اگر کسی دارای قوهٔ تفکر نباشد، و بخواهد در وادی علم و فرهنگ تعلیم ببیند و کسب دانش کند، چیزی عاید او نخواهد شد. زیرا انسان هم موقع یاد گرفتن و هم یاد دادن باید تفکر داشته باشد و به عمق مطالب دقت کرده و اندیشه کند. از این رو از منظر امام رضا(ع) تفکر از لوازم علم‌آموزی و کتابت است.

استاد حسن مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۹ از صفحهٔ ۱۲۶تا ۱۲۷ می‌گوید که فکر بر حسب متعلق خود بر سه قسم می‌باشد:

الف) تفکر در محسوسات: مانند قول خداوند « {وَ یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ؛ در خلقت آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند} (آل عمران: ۱۹۱/۳)و همچنین آیهٔ شریفه: {أَ وَ لَمْ یَتَفَکَّرُوا فِی أَنْفُسِهِمْ؛ آیا در وجود و نفوس خودشان تفکر نکردند} (روم: ۸/۳۰)

ب) تفکر در معقولات: مانند آیهٔ شریفهٔ {وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ إِلَیْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ؛ به تو قرآن را نازل کردیم تا اینکه آنچه را که بر مردم نازل می‌شود بیان کنی امید است که تفکر کنند} (نحل: ۴۴/۱۶) و آیهٔ {وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ؛ خداوند بین شما دوستی و رحمت قرار داد، همانا در این کار نشانه‌هایی است برای کسانی که تفکر می‌کنند} (روم: ۲۱/۳۰)

پ)تفکر در امور آخرت و عالم ماوراء مادّه: مانند آیهٔ شریفهٔ {اللهُ یَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ حِینَ مَوْتِها وَ الَّتِی لَمْ تَمُتْ فِی مَنامِها... إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ؛ خداوند جان‌ها را هنگام مردن قبض می‌کند و هنگام خواب نیز جان‌ها را قبض می‌کند. همانا در این عمل نشانه‌هایی است برای افرادی که تفکر می‌کنند. (زمر: ۴۲/۳۹)

۶. تعلیم و تربیت دانشمندان و اندیشمندان

تعلیم و تربیت علما، اندیشمندان و بزرگانی به دست امام رضا(ع) همچون حسن‌بن‌علی‌بن‌زیاد وشاء، فضل‌بن‌شاذان، حمادبن‌عیسی،اشعری قمی، سعدبن‌سعد، ریان‌بن‌صلت، محمدبن‌خالد برقی قمی، عبدالعزیز مهتدی قمی، یونس‌بن‌عبدالرحمن، و... که همگی در پژوهش و کتابت سرآمد روزگار خود بودند، نمونه‌ای از تلاش‌های علمی آن حضرت در زمینهٔ تعلیم و تعلّم است.

همچنین تربیت شاگردانی چون علی‌بن‌مهزیار اهوازی که ۳۳ عنوان کتاب تألیف کرده است، و یا ابراهیم‌بن‌حاکم قمی که دارای تألیفات متعددی است، همگی حکایت از اهمیت فرهنگ تعلیم و تعلّم، و کتابت و پژوهش در سیرهٔ رضوی دارد.

جهت تعلیم و علم‌آموزی چنین‌اشخاص و دانشمندانی، امام رضا(ع) همواره به سؤالات آنها پاسخ داده و نقاط ابهام را برطرف می‌نمودند. به عنوان نمونه در ذیل سؤال یکی از شاگردان و جواب امام(ع) را می‌آوریم:

ابن سنان گوید از امام رضا(ع) پرسیدم: آیا خدای عزوجل پیش از آنکه مخلوق را آفریند به ذات خود شناسایی داشت؟ فرمود: آری. عرض کردم: آن را می‌دید و می‌شنید؟ (خودش نام خود را می‌گفت و خودش می‌شنید؟) فرمود نیازی به آن نداشت زیرا نه از آن پرسشی داشت و نه خواهشی، او خودش بود و خودش. او قدرتش نفوذ داشت پس نیازی نداشت که ذات خود را نام ببرد ولی برای خود نامهایی برگزید تا دیگران او را به آن نام‌ها بخوانند، زیرا اگر او به نام خود خوانده نمی‌شد، شناخته نمی‌شد و نخستین اسمی که برای خود برگزید، علی عظیم بود، زیرا او برتر از همه چیز است، معنای او اللّه است (یعنی کلمهٔ اللّه دال است و ذات خدا مدلول) و اسم او علی عظیم است که اول نام‌های اوست و برتر از همه چیز است. (اصول کافی، ج۱، ص۱۵۳)

۷. مراسلات و نامه‌های امام رضا(ع) به دانشمندان و شیعیان

از وجوه دیگر تعلیم و تعلم رضوی، مراسلات و نامه‌های امام رضا(ع) به سؤالات اندیشمندان و شیعیان می‌باشد. مضامین نامه‌ها بیان احکام، تفسیر، دفع شبهات، مستدلّ کردن اصول عقاید، و... می‌باشد؛ همچون نامهٔ امام(ع) به هشام مشرقی در معانی توحید و نامه به حسن‌بن‌العبّاس المعروفی در فرق بین رسول، نبی، و امام و نامه به ابراهیم‌بن‌شعیب (علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج۵، ص۵۹-۲۳)

محمّد بن فضیل گوید:

نامه‌ای به امام رضا(ع) نوشتم و در آن مسئله‌ای را پرسیدم. پس حضرت برایم نوشت:

«به راستی خداوند می‌فرماید: همانا منافقین با خدا نیرنگ می‌کنند و خداوند با ایشان نیرنگ دارد (که به حال خود رهایشان نموده)، هنگامی که برای نماز برخیزند، با کسالت و بی‌حالی بایستند، برای مردم ریا و خودنمایی می‌کنند و خدا را جز اندکی از ایشان، متذکّر نمی‌شوند، برای انتخاب (حقیقت) سرگردان و متحیّرند، نه با آن مؤمنان هستند و نه با این کافران، و هرکه را خدا (در اثر کردارش) گمراه نماید، پس راه نجاتی برایش نخواهی یافت». (حسین‌بن‌سعیدکوفی اهوازی، زاهد کیست؟ وظیفه‌اش چیست؟: ترجمه الزهد، ص۱۴۹)

یکی از نقش‌های ویژه و مهم امام رضا(ص) در زمینهٔ فرهنگ‌سازی اسلامی، عبارت بود از: مقابله با امواج فکری بیگانگان. یعنی با تشریح علوم اصیل اسلامی، و با تبیین قرآن و گفتار پیامبر(ص) و تربیت صحابه و دانشمندان، مانع از ورود تفکرات ناسالم غربی به مراکز علمی شیعی می‌شد.

با توجه به گستردگی سرزمین‌های اسلامی، امام رضا(ص) با تربیت صحابه‌ای امین و دانشمند، تلاش‌های بسیاری برای دفع آسیب‌های فرهنگی و مقابله با ورود افکار بیگانه و سکولار به همراهِ کتب ترجمه‌شده انجام داد، تا بدین طریق فرهنگ تمدن اسلامی با محفوظ ماندن از انحرافات، تقویت و ارتقا یابد.

کرم امام حسن مجتبی (ع)

امام حسن(ع) تمامی توان خویش را در راه انجام امور نیک و خداپسندانه به کار می‌گرفت و اموال فراوانی در راه خدا می‌بخشید، مورّخان و دانشمندان در شرح حال زندگانی پر افتخار ایشان، بخشش‌های بی‌سابقه و انفاق‌های بسیار بزرگ و بی‌نظیری ثبت کرده‌اند و نوشته‌اند حضرت در طول عمر خود دو بار تمام اموال و دارایی خود را در راه خدا خرج کردند و سه بار نیز ثروت خود را به دو نیم کردند و نصف آن را برای خود و نصف دیگر را در راه خدا به فقرا بخشیدند.

امام حسن(ع) هم دارای کرامت بود و هم کریم به معنای بخشنده بود. هر یک از ائمه ـ علیهم السلام ـ دارای محاسن و جلوه های بسیار برجسته بودند، گاهی برخی از اوصاف آنان جلوه و برجستگی بیشتری می‌یافت. اگر چه اوصاف و فضایل و ویژگی های آنان بی‌شمار است و از هر بعد از ابعاد انسان، اگر فرصت یافته‌اند برجستگی خود را نمایان کرده و برای اهل زمان شناخته شده‌اند، اما متأسفانه به خاطر مظلومیت آن بزرگواران و استیلای طواغیت و ستمگران، اوصاف آنان و ابعاد مختلف سیره آن حضرات برای ما پوشیده مانده است. گاهی برای آن حضرات فرصتی پیش آمده و در این فرصت‌ها توانسته‌اند گوشه‌هایی از اوصاف و سیره خود را برای مردم نشان دهند. امام حسن(ع) در دوره‌ای می زیست که به لحاظ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، مردم گرفتار فقر و ظلم بنی امیه بودند، آنان ثروت های جهان اسلام را در اختیار خود داشته و میان خود تقسیم می کردند و بیشتر مردم با فقر و پریشانی زندگی می‌کردند. آنان گاهی به امام حسن (ع) مراجعه می‌کردند و آن حضرت قبل از درخواست و پیش از خواسته مردم به آنان انعام و بخشش می‌کرد.

این بذل و بخششها که همه از دارایی خود حضرت بود در میان عرب بقدری گسترش یافت که ایشان را کریم اهل بیت نامیدند. بزرگان بنی‌هاشم در سخا و بخشش و احترام به مردم شهرت داشتند ولی آن حضرت به‌قدری در این وصف برجستگی داشت که در میان مردم و اهل بیت از همه زبانزد شده و به کریم اهل بیت معروف گردیده بود.

امام دارای قلبی پاک و بسیار رئوف نسبت به دردمندان و تیره‌بختان جامعه بود و با خرابه نشینان دردمند و اقشار مستضعف و کم درآمد همراه و همنشین می‌شدند و دردِ دلِ آنها را با جان و دل می‌شنیدند و به آن ترتیب اثر می‌دادند و در این حرکت انسان دوستانه جز خداوند را مدّنظر نداشتند و لذا هر ناتوان و ضعیف و درمانده‌ای که درِ خانهٔ آن حضرت را می‌کوبید، نا امید بر نمی‌گشت و حتّی خود ایشان به سراغ فقراء می‌رفتند و آنها را دعوت به منزل می‌کردند و به آنها غذا و لباس می‌دادند.[1]

امام حسن(ع) تمامی توان خویش را در راه انجام امور نیک و خداپسندانه به کار می‌گرفت و اموال فراوانی در راه خدا می‌بخشید، مورّخان و دانشمندان در شرح حال زندگانی پر افتخار ایشان، بخشش‌های بی‌سابقه و انفاق‌های بسیار بزرگ و بی‌نظیری ثبت کرده‌اند که در تاریخ زندگانی هیچ کدام از بزرگان به چشم نمی‌خورد و نشانهٔ دیگر از عظمت و کریم بودن ایشان وبی‌اعتنایی به مظاهر فریبندهٔ دنیاست که نوشته‌اند حضرت در طول عمر خود دو بار تمام اموال و دارایی خود را در راه خدا خرج کردند و سه بار نیز ثروت خود را به دو نیم کردند و نصف آن را برای خود و نصف دیگر را در راه خدا به فقرا بخشیدند.[2]

گفته شده روزی امام حسن ـ ع ـ بر جمعی از گدایان گذشت که پاره‌ای چند از نان خشک‌ها را بر روی زمین گذاشته بودند و می‌خوردند، چون نظر ایشان به آن حضرت افتاد از امام دعوت کردند و حضرت از اسب پیاده شدند و فرمودند که خدا متکبّران را دوست نمی‌دارد و با ایشان نشستند و از طعامشان تناول کردند و سپس از همهٔ گدایان خواستند که برای صرف غذا به خانهٔ حضرت بروند و حضرت برایشان طعام‌هایی نیکو حاضر ساختند و به لباس‌های فاخر همهٔ آنها را مزیّن کردند.[3]

تاریخ از بخشندگی‌های امام حسن ـ ع ـ داستان‌های فراوان به یاد دارد؛مثلاً روزی عربی به نزد ایشان آمد و درخواست کمک کرد و امام دستور دادند که آنچه موجود است به او بدهند و قریب ده هزار درهم موجود را به آن اعرابی بخشیدند.[4]

وقتی درباره سفره گسترده کرمش از او پرسیدند که چرا هرگز سائلی را ناامید بر نمی‌گردانید، فرمودند: من هم به درگاه خدا سائلی هستم و می‌خواهم که خدا محروم نسازد و شرم دارم که با چنین امیدی سائلان را ناامید کنم؛ خداوندی که عنایتش را به من ارزانی می‌دارد، می‌خواهد که من هم به مردم کمک کنم.[5]درباره چشمه جوشان کرمش گفته شده سائلین ونیازمندان را قبل از اینکه از او بخواهند، رفع نیاز می‌کرد واینقدر برای آبروی مردم وکرامت انسان اعتبار وبهاء می‌داد.

این بخشندگی‌ها و کارهای نیکویی که از امام‌حسن(ع) در مسیر خیر و احسان و کمک به طبقات درمانده و نیازمند انجام می‌گرفت و آنچه را که داشت به آنها می‌بخشید؛ مظهری از اسماء الهی بود ومی توان گفت درحقیقت کریم بودن حضرت تجلی وصف کریم حق تعالی بوده است که از وصف ناقص ما بیرون است.

از: سایت اندیشه قم

پی نوشت ها:

۱. زمانی، احمد، حقایق پنهان، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اوّل، سال ۱۳۷۵، ص ۲۶۸.
۲. شیخ عباس قمی، منتهی الأعمال، ج ۱، انتشارات هجرت، چاپ هشتم، ۱۳۷۴، قم، ص ۴۱۷ ـ سیرهٔ پیشوایان، مهدی پیشوایی، نشر مؤسسهٔ تحقیقاتی امام صادق، چاپ دوّم، ۱۳۷۴، قم، ص ۹۰.
۳. جلاء العیون، ملا محمد باقر مجلسی، نشر انتشارات علمیه اسلامیه، ص ۲۴۱.
۴. منتهی الأعمال، پیشین، ص ۴۱۸.
۵.باقر شریف القرشی، زندگانی امام حسن(ع)، ترجمهٔ فخر الدین حجازی، نشر بعثت، چاپ اوّل، ۱۳۷۶، تهران، ص ۱۳۵.

چراغ راه

ویژگی‌های بهترین بندگان

قال‌الامام الرضا(ع): «سئل عن خیار العباد؟ فقال: الذین اذا احسنوا استبشروا، واذا اساؤوا استغفروا، و اذا اعطوا شکروا، و اذا ابتلوا صبروا، و اذا غضبوا عفوا»

از امام رضا(ع) درباره بهترین بندگان خدا سؤال شد. حضرت فرمود: آنان که هرگاه نیکی کنند خوشحال شوند، و هرگاه بدی کنند آمرزش خواهند، و هرگاه عطا شوند شکرگزارند، و هرگاه بلا و مصیبت ببینند صبر کنند، و هرگاه خشم کنند در گذرند و عفو نمایند.[1]

۱- تحف‌العقول، ص ۴۴۵

حکایت خوبان

لزوم نیاز به اولی‌الامر

فضل بن شاذان نیشابوری می‌گوید درباره ضرورت مدیریت از امام رضا(ع) شنیدم که فرمود: «انا لانجد فرقه من الفرق و لامله من الملل بقوا و عاشوا الا بقیم و رئیس لما لابد لهم منه فی‌الامر الدین و الدنیا» به درستی که ما در بررسی احوال بشر هیچ گروه و فرقه‌ای را نمی‌یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد مگر به وجود سرپرستی که امور مادی و معنوی(دین و دنیای) آنان را مدیریت نماید، [1] هیچ مکتبی به این روشنی اهمیت مدیریت و رهبری را بیان نکرده که سعادت و پایداری یک ملت را در زندگی دنیوی و امور دینی مرهون آن بداند. آن حضرت در جای دی